

تحریم و نفرت عالمانه

امیر فیض حقوقدان

سه شنبه (بهرامشید) ۲۹ تیر ۲۵۴۹

۲۰ جولای ۲۰۱۰

بطوریکه آگاهید تحریم های علیه ایران بر دو قسمند. یکی رشته تحریم هایی است که به استناد قطعنامه شورای امنیت صادر شده است که در این تحریر زیر نام تحریم های قانونی نامبری می شود و قسم دوم تحریم هایی هستند که آمریکایی ها با توجه به اقتدار حکومتی خود علیه ایران به آن مباردت کرده اند، این رشته تحریم ها که از نظر حقوق داخلی آمریکا، قانونی است ولی از نقطه نظر حقوق بین الملل غیر قانونی است موضوع این تحریر است.

چرا تحریم های کنگره غیر قانونی است:

نخست به اتفاق به این مسئله که چرا تحریم های مصوبه از سوی کنگره آمریکا از نظر حقوق بین المللی غیر قانونی است.

تحریم کشورها، حقوقی است که بموجب منشور سازمان ملل متحد در اختیار شورای امنیت سازمان قرار گرفته است و اقداماتی که تحریم شمرده می شود هم به موجب همان ماده ۴۱ تعیین شده است.

بنابراین اولاً تحریم کشورها در صلاحیت شورای امنیت است نه کشور ها و ثانیاً موارد آن هم نمیتواند خارج از مواردی باشد که ماده ۴۱ تعیین کرده است.

شورای امنیت سازمان ملل متحد در رابطه با مسئله غنی سازی اورانیوم تاکنون چند قطعنامه صادر کرده است که آخرین آنها همین قطعنامه ۱۹۲۹ است، که قطعنامه ای قانونی است گرچه جمهوری اسلامی آنرا غیرقانونی میدانند ولی از نظر منشور سازمان ملل متحد که ایران نیز آنرا تایید کرده است، قانونی است.

تحریم های مصوبه کنگره آمریکا که به امضای رئیس جمهوری آن کشور در تاریخ اول ژوئیه رسیده خارج از صلاحیت کنگره آمریکا به اعتبار منشور سازمان ملل متحد است. دیگر اینکه تحریم های کنگره آمریکا فراتر از تحریم های شورای امنیت است و متوجه انرژی یعنی نفت و بنزین می باشد که آیتم های (Item) مزبور، به مناسبت ضایعاتی که همراه دارد در ردیف تحریم های شورای امنیت قرار نگرفته است (ماده ۴۱ منشور).

مسئله دیگر عدم رعایت عرف بین المللی و تصمیم مجمع عمومی سازمان ملل متحد (در زمان اوتانت) است که به اعتبار ماده ۱۴ منشور اتخاذ شده است و آن این است که «درکشاکش اختلافات بین کشور ها نباید از اسلحه نفت استفاده شود» انگیزه این قطعنامه سازمان ملل متحد (نه شورای امنیت) بدین جهت بود که در جنگ اکتبر سال ۱۹۷۳ بین

اعراب و اسرائیل، اعراب که به اهمیت استفاده از سلاح نفت پی برده بودند، قصد داشتند برای پیشرفت مذاکرات و دست بالا داشتن از سلاح نفت استفاده کنند. اوتانت که به اهمیت و خطر تحریم نفتی کشورها آگاه بود، و آنرا مقدمه ای برای جنگ به شمار می آورد تصمیم مجمع عمومی را اعلام نمود.^۱

شاهنشاه ایران در مصاحبه با سلیم اللوزی مدیر مجله الحوادث چاپ بیروت، همین قطعنامه سازمان ملل متحد را مورد تایید قرار دادند و گفتند: «من به استفاده از سلاح نفت در مورد مشکلات بین کشورها ایمان ندارم مگر اینکه حالت جنگ بین دو کشور وجود داشته باشد» (۲۶ آبان ۱۳۵۲)

همچنین در مصاحبه با اشپیگل در مقابل این پرسش: «آیا شما قبول نمیکنید که نفت را به عنوان سلاح برای هدف سیاسی و یا مذهبی مانند تصاحب اورشلیم مورد استفاده قرار دهید» شاهنشاه در پاسخ فرموده اند: «خیر، فقط در صورتی که برای کشورم در جنگ بودم چنین کاری را میکردم لیکن اکنون که صحبت از صلح میکنیم استفاده از این سلاح ممکن است خطرناک و غیر ضروری باشد» (۱۴ دیماه سال ۱۳۵۲)

در حالیکه اتحادیه اروپا و همچنین کنگره آمریکا پیشنهاد مذاکرات با ایران را در باره غنی سازی اورانیوم داده اند، تصمیم کنگره آمریکا دایر بر تحریم انرژی و نفت و بنزین، دقیقاً خلاف عرف جاری و تصمیم سازمان ملل متحد است. سیاست چماق و هویج از ابداعات آمریکایی هاست، در حقوق بین الملل و منشور سازمان ملل متحد این رویه محکوم است.

متقاضی تحریم های کنگره چه کسانی هستند:

اصولاً هر طرحی و یا پیشنهادی که در مجالس قانونگزاری مطرح می شود یا باید بوسیله دولت و یا نمایندگان پارلمان ارائه گردد که در حقوق اساسی ایران (قبل از شورش ۵۷) طرح هایی که به وسیله دولت به مجلس داده می شد، لایحه و طرح هایی که به وسیله نمایندگان داده می شد طرح نامیده می شد.

دولت ها، لوایح مورد نیاز خود را که به پارلمان میدهند از طریق وزارتخانه ها و بررسی هایی که توسط کارشناسان صورت می گیرد، تدوین می کنند ولی نمایندگان مجلس (کنگره آمریکا) بر اساس درخواستی که شهروندان آمریکایی دارند، تدوین و به کنگره تسلیم می کنند.

چرای اینکه این روال در تصمیمات کشوری و پارلمانی جاری است این است که در هر تصمیم قانونی باید رابطه علت و معلول وجود داشته و معلوم باشد. باید مشخص و معلوم باشد که به چه علت و بر اساس کدام جریان و نیاز، چنین طرحی و یا لایحه ای داده شده است مثلاً عده ای از شهروندان با مراجعه به نمایندگان پارلمان خواستار اجرای طرح تنظیمی شده اند و یا سازمان های امنیتی و رفاهی کشور بوده اند که نیاز به تصویب طرح و ارائه آنرا به پارلمان لازم دانسته اند.

و بالطبع هر چه پشتوانه طرح و یا لایحه قوی تر باشد، تصویب آن در کنگره راحت تر و سریعتر انجام میگردد.

برای نمونه، هم امروز سی ان ان خبر داد که بازماندگان حادثه هواپیمای پان آمریکن با مراجعه به سناتور های خود خواستار تعقیب موضوع آزادی یکی از متهمین بمب گذاری شده اند، یعنی به مناسبت مراجعه آن افراد به آن سناتور، آن سناتور موضوع را در کنگره مطرح ساخته است.

۱- او تانت **U Thant** یک شخصیت برمه ای است که در ۲۲ ژانویه ۱۹۰۹ زایش یافته و تا ۲۵ نوامبر ۱۹۷۴ زندگی کرده است. او یک دیپلمات برمه ای بود که بین سال های ۱۹۶۱ تا ۱۹۷۱ به عنوان سومین دبیر کل سازمان ملل متحد انتخاب شد. او هنگامی به این مقام رسید که پیشنیه او داگ هامرشولد Dag Hammarskjöld در سپتامبر ۱۹۶۱ درگذشت. واژه «او» یک عنوان تشریفاتی است که می توان گفت هم ردیف (آقا "mister") می باشد. این شخص تنها نامی که داشت «تانت "Thant"» بود در زبان برمه ای او با عنوان پانتانو اوتانت خطاب می شود زیرا او تانتی بود که از شهر پانتانو می آمد. -ح-ک

تحریم های موضوعه از سوی کنگره آمریکا متأسفانه از مناسبت درخواست عده ای از شهروندان آمریکایی که در گذشته تابعیت ایران را داشته اند برخوردار است که نمایندگان جنبش سبز در خارج و ایرانیانی که در خدمت اطلاعاتی و سرویس های آمریکایی هستند را شامل است و در هر صورت، به متقاضیان تحریم عنوان ایرانی داده شده است.

همچنین این حقیقت را نمی توان نادیده گرفت که بخش بزرگ و حساسی از مبارزه ایرانیان خارج از کشور، مدام و در هر فرصتی از آمریکا و از اروپاییان خواستار کمک به جنبش سبز شده اند. حد این درخواست در اسناد مبارزه سیاسی ایرانیان کاملاً خودنماست، از حد افراط هم گذشته؛ چنانکه در جهان سیاست هم بی سابقه بوده است.

برای اهمیت به ماهیت این چنین درخواست های بی شرمانه جا دارد به نظریه حقوقی یکی از حقوقدانان اطریشی (متخصص حقوق بین الملل) توجه کنیم:

می گوید: «درخواست کمک اگر بر مبنای حق متکی به قانون و یا قرارداد نباشد، التماس است که التماس هم نوعی گدایی است که قبول و یارد آن به میل کمک کننده وابسته است. درخواست های نا موجه و ناحق و خارج از قرارداد ها در رابطه با مسائل کشورها از مرز گدایی وارد نمی شود. بلکه از مرز معامله - مداخله در امور کشور و وابستگی و قیمومت وارد می شود و آثارش متوجه مردم کشور درخواست کننده است.»^۲

استناد به نظریه حقوقدان اطریشی بدین سبب لازم افتاد تا مطمئن شویم که وقتی از بیگان تقاضای کمک می کنیم، بیگانه را دعوت به مداخله و تصمیم گیری علیه کشور مان می نماییم و باب بندگی و قیمومت را می گشاییم و این دیگر به میل آن کشور است که چه خواهد کرد و چگونه می کند.^۲

مثالش را می توان چنین آورد. زنی که مرد غریبه متجاوزی را به خانه خود دعوت کرد، دیگر بقیه چیز ها با متجاوز است و هرچه پیش آید خوش آید است و زن نمی تواند بگوید که من او را دعوت به شام کردم، نه چیز های دیگر. وقتی عده ای بهر نام و خاصه ارباب مطبوعات آمریکا را دعوت به مداخله در امور ایران میکنند، دیگر بقیه چیز ها از جمله تجزیه کشور و یا مداخله نظامی و یا تحریم های انرژی انتخابش با آمریکا است نه ایرانیها.^۳

ما در تحریرات سابق موضع نمایندگان جنبش سبز و اطاق فکر و یا سخنگویان آنها را که در خارج از ایران هستند و مصرأ خواستار شدت بخشیدن به تحریم های علیه ایران بوده و از آمریکایی ها مدام و در هر فرصتی این درخواست را شدت و تجدید کرده اند ارائه داده ایم و تصور نمیکنم که تجدید مطلع ضرور باشد.

موضوعی که اکنون باید به اثبات برسد، قبول درخواست سبزیها از آمریکابرای انداختن تور تحریم است چرا که اگر این رابطه مسجل نشود، در واقع به ایجاب (درخواست سبزی ها) برای انجام تحریم اعتنایی نشده و برعکس اگر این رابطه مسلم شود، مفهوم حقوقی آن این است که درخواست سبزی ها از آمریکا برای حمایت از جنبش و راه کار تحریم و جنگ

^۲ - در روزهایی که مایکل لدین، یکی از ماموران طرفدار جدایی طلبی در تشکیلات نئوکان ها با نوشتن مقاله ها و مذاکرات اینترنتی آغاز به مداخله در امور ایران را کرده بود، با نوشته های من روبرو شد و چون میدانست من لیست بزرگی دارم علاقمند بود از این وسیله بهره بگیرد، که به او اعلام کرده بودم ما کمک شمارانیا از نداریم و اگر هم بخواهید کمکی به میل خودتان نه با درخواست ما به ما بکنید بایستی خط مشی و راه و روش کمک را ما ایرانیان تعیین کنیم و حدی هم برای آن قایل خواهیم بود. ما کشورمان را بهتر از شما می شناسیم و حق تصمیم گیری در هر صورت بایستی برای ما ایرانیان محفوظ باقی بماند. از آن لحظه او با نوشتن بی ادبانه "Get lost" (برو گمشو) رابطه اش را با من قطع کرد. پیش از این برای اولین بار شرح احوال او و مداخلاتش در امور ایتالیا و بهره کشی به سود اسراییل را پژوهش کرده و به اینترنت آورده بودم که مورد شماتت و انتقاد برخی از ایرانیان بودم. زیرا آنها میخواستند به «خدمت» آقای لدین در آیند، و برای آسیاب او آب حمل کنند و من می خواستم لدین را به «خدمت به ایران اجیر کنم» - بار دیگر آقای مهرداد خوانساری همین جمله "Get lost" (برو گمشو) را در هنگامیکه مورد اعتراض اینجانب قرار گرفت و مانع کارهای او و طرحی که برای گول زدن مبارزین و جلب دخالت بیگانه ها داشت شدم بکار گرفته شد. ح-ک

^۳ - در همین رابطه است کسانی که گروهی جدایی طلب و فدرالیست را به جلسه ای دعوت می کنند یا بدون پژوهش و پرسش در جلسه ای که احتمال بهره برداری بیگانه ها را دارد شرکت می کنند... ح-ک

از طرف آمریکا قبول شده است. و در این حال است که هم بار مسئولیت متوجه جنبش سبز میگردد و هم پشتوانه تحریم های کنگره از درخواست ایرانیان! بار حقوقی پیدا می کند.^۴

قبول ایجاب آمریکا:

قبول درخواست سبزی ها برای تحریم از سوی آمریکا:

- ۱- آقای باراک اوباما در سالگرد انتخابات جنرال برانگیز ایران گفت: «این مسئولیت همه مردم وکشور های آزاد جهان است تا روشن کنند ما طرف کسانی هستیم که در پی آزادی و عدالت و عزت هستند»
- این گرد هم آیی که در باره وضعیت ایران بود، در آن جایزه ویژه دموکراسی به جنبش اعتراضی «سبز» اهدا گردید (جمعه ۱۱ ژوئن ۲۰۱۰)
- ۲- مک کین سناتور آمریکایی در گفتگویی بتاریخ ۱۴ ژوئن ۲۰۱۰ در مقابل این پرسش که هدف از اعمال تحریم ها بر ایران چیست گفت: «ما باید متحدان خود را در کشور های مختلف تجهیز کنیم تا حقانیت رژیم ایران را به چالش بکشیم»
- ۳- روزنامه واشنگتن پست نوشت (سوم ژوئیه ۲۰۱۰) قطعنامه تحریم ها به مخالفان حکومت ایران کمک می کند.
- ۴- پایگاه اینترنتی روابط خارجی آمریکا نوشت: «جنبش اوپوزیسیون یک عامل اصلی و تعیین کننده است و لایحه تحریم های کنگره گویای این مقصود می باشد.»
- ۵- نشریه واشنگتن تایمز نوشت: «تحریم باید همراه اعتراض به نقض حقوق بشر در ایران باشد (دقیقا خواسته سبزی های خارج از کشور [!!!])»
- ۶- ارلی سفیر آمریکا در بحرین در اجلاس ۵+۱ در ژنو گفت: «ما از موسوی و خاتمی حمایت می کنیم اما تحریم ها می تواند این نتیجه را داشته باشد که مردم ایران درک کنند که تنها راه نجات از فشار تحریم ها پیوستن به موسوی و خاتمی (جنبش سبز) است.»

تصور می شود همین چند نمونه شاهدهی باشد که ارتباط تحریم های کنگره را علیه ایران یادخواست جنبش سبز و کسانی که سابقا تابعیت ایران را داشته اند نشان بدهد. وبه رعایت اصطلاح حقوقی رابطه بین ایجاب و قبول را در مسئله تحریم ها ایجاد نماید.

ماهیت تحریم های نفتی مقدمه و آماده سازی برای جنگ است:

ماهیت تحریم بنزین و نفت متوجه آماده سازی کشور های تحریم کننده برای جنگ با کشور تحریم شده است. زیرا که مهمترین و حساسترین نیاز جنگ تعرضی ویا دفاع استفاده از سوخت برای تامین نیاز های جنگی است. کشوری که در مضیقه تامین بنزین بود، نمی تواند ازکشورش دفاع کند. همه چیز جنگ به بنزین مربوط می شود.

^۴ - در همین رابطه اشاره لازم می آید به «دستوری» که به آقای منوچهر گنجی وزیر فرهنگ و آموزش عالی پیشین داده شده بود تا با تشکیل جلسه ای با شرکت دادن گروهی جدا جوی «عرب»، «بلوچ» و «کرد» که اعتباری نداشتند در کنار کسانی که صاحب اعتباری بودند یا لاقال به بدنامی شهره نبودند، نقشه ای که در راه تشویق جدایی طلبان در درون ایران بود را برای آمریکاییان موجه سازند. که دیدیم چند روز پس از آن جلسه کذایی درگیری هایی در استان بلوچستان ایران آغاز شد و دو مسجد منفجر وبه این وسیله امر بر مردمی که گمان نمی کردند می توانند ادعای جدایی طلبی کنند مشتبه شد. همین حرکت ممکن است توسعه یافته به استان های دیگر نیز سرایت کند. (به ادعای یکی از شرکت کنندگان در جایگاه معترض؛ آقای گنجی ابراز داشته بود من برای تشکیل جلسه دستور داشتم) ح-ک

بعنوان یک ایرانی که به مسایل ایران اهمیت توأم با نگرانی دارم می توانم بگویم که تحریم بنزین با چنان شدتی که آمریکا به آن مبادرت کرده بهیچوجه در ارتباط با غنی سازی اورانیوم نیست، بلکه فراهم کردن زمینه برای جنگ تعرضی علیه ایران است. در حالیکه احمدی نژاد می گوید ما تا دوسال دیگر از نظر بنزین خود کفا می شویم «معنایش این است که ایران قادر نیست تا دوسال دیگر نیاز های مردم و ارتش را ازبابت بنزین تامین کند و همین دوسال کافی است که آمریکانیها را به هدفشان برساند. چه کسی باور می کند که جمهوری اسلامی حتی برای سه ماه ذخیره بنزین داشته باشد.

تفاوت اجرایی تحریم ها:

ماهیت اجرایی تحریم های کنگره آمریکا بسیار وسیع و سخت و حساس است و همانطور که جنبش سبز درخارج ازکشور در پیام محرمانه ای از آمریکا خواسته است تحریم هاباید بصورت شوک آور وارد شود که فلج کننده باشد نه بصورت واکسن (نقل از واشنگتن پست - جان هانا)

ماهیت اجرایی تحریم های کنگره خیلی وسیع تر و محکم تر از محاصره دریایی است که معمولاً در جنگ بین دو کشور به اجرا گذاشته می شود. کشوری که در محاصره قراردارد ممکن است رفع نیاز های خود را از طریق مرز های خارج از محاصره تامین کند ویا شرکت ها برای سود بیشتر بطور مخفیانه از خط محاصره به بهانه های مختلف عبور کنند ولی در تحریم کنگره آمریکا این راه نفس کشیدن کشور تحریم شده پیش بینی و بسته شده است آنها نه به بزور بلکه رعایت منافع شرکت های تولید کننده بنزین و فراورده های مربوط به آن به این شرح که دولت آمریکا بموجب حقی که همه دول دارند، شرکت های تابعه کشور را از معامله بنزین و دیگر موارد و مصالح باایران ممنوع ساخته است و این ممنوعیت را هم به مصالح و امنیت ملی وصله نموده و تعیین کیفر برای متخلفین کرده و در مورد شرکت های خارجی آنها را مخیر ساخته به تبعیت از قانون تحریم کنگره آمریکا ویا محرومیت از معامله با آمریکا ویا شرکت های تابعه آمریکا که معلوم است که وابستگی های سنگین و وسیع بین المللی کشور ها و شرکت های خارجی را در مسیری قرار می دهد که تبعیت از قانون کنگره آمریکا خواهد بود. چنانکه هم اکنون که چند روزی از تصمیم کنگره آمریکا نگذشته است، گرایش شرکت های بزرگ انرژی به تبعیت از تصمیم کنگره آمریکا کاملاً آشکار شده است.

امیدوارم که در مختصری که عرض شد تفاوت واهمیت وسیع تحریم کنگره آمریکا با محاصره دریایی کاملاً مشخص شده باشد.

تحریم کنگره و رابطه آن با قحطی:

تحریم هرنوع کالا تا چه رسد که مصرف آن همگانی باشد، ایجاد نوعی قحطی می کند و همانطور که در قحطی مواد غذایی تجار و گروهی خاص از قحطی نه زیان میبرند که سود سراساری هم میبرند، تحریم بنزین هم همین حال را دارد، تاثیر منفی وکوبنده آن بر توده مردم حتمی و غیر قابل گفتگو است و همانطور که حتا شایعه بروز قحطی سبب احتکار وگران شدن وکم یاب شدن مورد قحطی میگردد، همین مصائب برای تحریم بنزین هم جاری است. یادتان هست که درسالهای گذشته خبرهایی می رسید که ایرانیان نفت و بنزین را درخانه هایشان ودرحوض های آب احتکار می کردند.

رییس شرکت نفتی توتال که فروشنده بنزین به ایران است گفته: «مادراین تحریم بنزین شرکت میکنیم ولی این تحریم فشار و تحمیلی سنگین به مردم ایران است»

نفرت عینی و عالمانه و نفرت مجازی و تلقینی:

همینجاست که باید گفت تحریم بنزین باب تحریم عینی و عالمانه مردم را نسبت به آمریکا و همه کسانی که مشوق و مدعو آمریکا در دخالت به امور سیاسی کشورمان بوده اند و مدام درخواست حمایت از آمریکا را کرده و می کنند می گشاید. و ایرانیان خارج از کشور به ویژه جنبش سبز بایک نفرت عمومی و عینی ملت ایران مواجه خواهند شد. توضیح اینکه نفرت عینی و عالمانه آن نفرتی است که شخص بمناسبت برخورد با آن، آنرا درک می کند و نفرت مجازی و تلقینی، آن نفرتی است که چون دیگران آنرا عنوان میکنند حالت تلقینی پیدا می کند مانند همین شعار مرگ بر آمریکا، که بیشتر جنبه تلقینی داشته است ولی بعد از اجرای تحریم بنزین بصورت عینی و عالمانه درخواهد آمد و بطور حتم ایرانیان خارج از این نفرت فراگیر بی نصیب نخواهند بود.

مهر عالم را اگر انبان کنی نفرتی آید، همه ویران کنی

سؤال و جوابی را که این تحریر تقدیم میکند:

آیا آمریکا با وضع تحریم ها و حمایت های آشکار مالی و معنوی و جهانی از جنبش سبز، هدفش تامین آزادی و دموکراسی در ایران است یا خیر؟

پاسخ این مهم را از سناتور مک کین و تشریحی که مجله «فوربس» آمریکایی داده می توان به دست آورد. آقای مک کین با تایید سیاست آمریکا از جنبش سبز اظهار داشت که من بر این باورم که تغییراتی را که مادرسیاست های ایران خواستاریم جنبش سبز انجام خواهد داد. (مک کین در سالگرد انتخابات سال ۸۸ ایران)

مجله «فوربس» آمریکایی دستاورد هایی که با موفقیت جنبش سبز تحت حمایت آمریکا برای آمریکا ایجاد خواهد شد را به قرار زیر نوشته است:

«نخست اینکه رژیم ایران تغییر می کند و رژیم طرفدار غرب و بیشتر آمریکاروی کار می آید. دیگر برای انتقال نیرو به افغانستان لازم نیست که دنیا را دور بزنیم و به قرقیزستان و ازبکستان برویم یکسره از ایران و خلیج فارس به افغانستان خواهیم رفت - دیگر منت کشیدن از روسیه هم متوقف می شود و ضرورتی پیدا نمی کند که آمریکا برای بدست آوردن روسها در مسئله ایران در ایجاد پایگاه های موشکی کوتاه بیاید - موفقیت مادرعراق هم قطعی خواهد شد و با شکست شیعیان ایادی آمریکا حکومت عراق را قبضه می کنند- از همه مهمتر حزب الله لبنان و حماس و سایر سازمان های عربی وابسته به جمهوری اسلامی که خار حیات سیاسی اسرائیل شده اند از بین خواهند رفت و اسرائیل یک نفس راحت خواهد کشید»

اجازه بفرمایید بقیه اش را هم ارادتمند اضافه کند.

آمریکا موفق می شود بعد از سی سال انگلستان را از ایران بیرون کند و سگهای تربیت شده و گروه «پک ایچی» را جایگزین سگهای تربیت شده انگلیسی که حاکمند و غاصب ایران بکنند.

چنگال آمریکاییها بر نفت ایران مسلط می شود و مشکل قیمت نفت و برنامه های سیاسی نفت در جهان براحتی به اجرا در می آید.

در شمال ایران پایگاه هایی نظامی بوجود می آید و قدرت روسیه را به طور کامل کنترل خواهد کرد. ایران به عضویت پیمان ناتو در می آید و اسرائیل را به رسمیت خواهد شناخت.

اینها بخش هایی از خواسته های آمریکاست که با دعوت ایرانیان خائن (پک ایجی Package) از آمریکا به خواسته دخالت در مسائل داخلی ایران و حمایت از جنبش سبز تحریم های اقتصادی و انرژی تحقق خواهد یافت و در ازای این خیانت و ظلم بزرگ به ایران که تجزیه ایران هم دسر آن خواهد بود این آدم های بسته ای هم چند صباحی بر گرده مردم سوار شوند.

ملک قلمز حجازی یک بیٹی دارد که با یک تحریک کوچک مصداق موضوع است

ای هموطن، ز هموطن «بسته ای» بترس	از دشمنان دوست نمای وطن بترس
زان قوم نا ستوده کز اعمال خویش	بالند بر رخ وطن خود بحق بترس
ای هموطن زدشمن جنگی بخود مپیچ	زان صلح جوی حیلہ و ربی وطن بترس
از آنکه با حمایت بیگانه آرزو	دارد خیال رهبر ایران شدن بترس

یک شاهد بسیار با اهمیت:

برای اینکه ثابت شود که جنبش سبز کاملاً در جریان سیاست اجرایی آمریکا نسبت به جمهوری اسلامی و جایگزین ساختن جنبش سبز در نظام حکومتی ایران است و یک ارتباط سیاسی و هدف مشترک، سیاست آمریکا را جلو می برد به اظهارات پایگاه اینترنتی (گویا) وابسته به جنبش سبز توجه کنید.

شخصی بنام فردا در آن پایگاه گفته است: «اگر جمهوری اسلامی بخواهد از اثرات تحریم و حمله نظامی آمریکا مصون ماند باید فاز اول یعنی به خلع ید از دولت احمدی نژاد و جایگزینی جنبش سبز تن بدهد تا امکان مصالحه بوجود بیاید و دولت میانه رو بتواند با مذاکره با ۱+۵ ایران را از این بن بست خارج سازد.»

شهود دیگر:

تا آنجا که اخبار منتشره گویاست؛ «مجاهدین خلق با تشکر از آمریکابه مناسبت تحریم ها، گفته اند ای کاش تحریم های شدید تری علیه ایران به اجرا گذاشته میشد» (بیل کلینتون در گفتگوی با سی ان ان)

برخی از ایرانیان خارج از کشور از جمله محسن سازگارا، نوریزاده و مهاجرانی و غیره از تحریم های کنگره آمریکا اظهار رضایت و تشکر کرده اند.

این نکته توجه کردنی است که چون تحریم های آمریکا رابطه مستقیم با مسایل سیاسی مبارزه ایرانیان خارج از کشور دارد و نظریه اینکه کسانی که در جریان مبارزه خود را شاخص ساخته اند و به کرات با کمک از آمریکا و اقدامات آن کشور را برای براندازی جمهوری اسلامی خواستار شده اند، چنانچه نسبت به تحریم های غیر قانونی کنگره آمریکا معترض نگردند، سکوت آنان بعلامت مخالفت با تحریم به هیچ وجه ملحوظ نمی گردد، کسی که تحریم و یا عملی را خوب و بجا میداند تکلیف تشکر ندارد ولی کسی که عملی را خلاف قانون و نابجا می داند، تکلیف اعتراض را دارد.

با داشتن افتخار شاگردی استاد امیر فیض در قالب نوشته ای با عنوان (خیانت) به مواردی چند اشاره داشته ام که دقیقاً در راستای نظرات استاد امیر فیض قرار داشته است. ح-ک